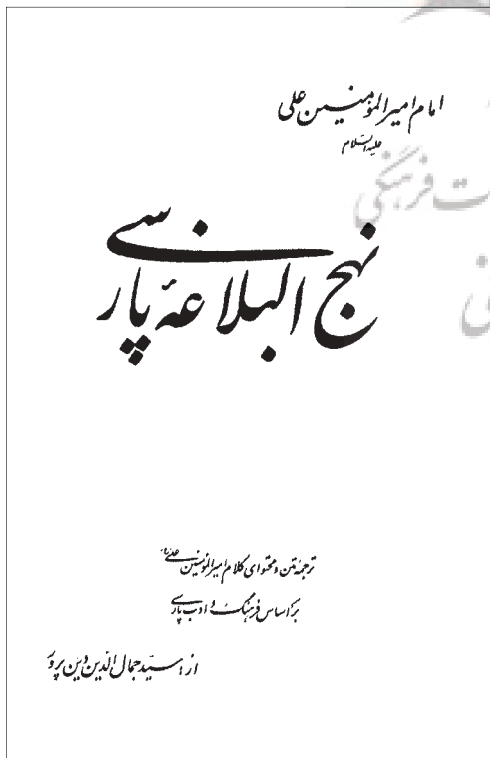


علم امام

سید مرتضی حکمی
مشاور عالی مرکز رسیدگی به امور مساجد

این موضوع و مانند آن فعلیت دارد، مگر آنکه از وی سلب گردد.



علمای کلام درباره علم امام دیدگاههای مختلفی دارند . برخی معتقدند که علم امام فعلیت دارد و برخی معتقدند که علم امام فعلیت ندارد و برخی برآنند که علم امام بالقوه می باشد. صاحب نظران دیگر قائلند که علم امام در احکام فعلیت دارد، و در موضوعات بالقوه می باشد، البته به جز در مواردی که اثبات امامت بر آن متوقف شده باشد. این نکته لازم به تذکر است که در هر جا که علم امام فعلیت نداشته باشد امامت وی قابل اثبات نمی باشد. فرض دیگری نیز قابل تصور است: علم به موضوعاتی که دارای احکامی متعلق به آن باشد. زیرا چنانچه علم فعلی به موضوعات آن وجود نداشته باشد، علم به احکام آن نیز فعلیت نخواهد داشت.

قبض و بسط و فعلیت علم
لازمه بسط علم برای ائمه به جز فعلیت آن مفهوم دیگری نخواهد داشت. از حضرت رضا روایت است: «یسط لنا العلم فنعلم، و یقبض علینا فلا نعلم» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ۱۱۷]. همچنین از ایشان سؤال شد که آیا از رطب و ریحان مسموم آگاهی داشته است؟ فرمودند: «وکان یعلم بالرطب و الریحان المسمومین انساه لینفذ فیہ الحکم» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ۲۸۵] (آری می دانست ولیکن آن را از وی محجوب نمود تا آنکه حکم الهی اجرا شود). و از این روایت معلوم می شود که علم امام به

مَجْلَدُ الْأَنْوَارِ

الْجَامِعَةُ لِذُرِّيَةِ أَحْبَارِ الْأَيْمَةِ الْأَطهارِ

تأليف
العلامة المحمدية الميرزا محمد باقر
الشيخ محمد باقر المجلسي
«نور السرائر»

الجزء الثاني

مؤسسة الوقف
بيروت - لبنان

رسوخ در علم
به اعتقاد ما ائمه معصومین دارای علم به تأویل هستند: «و ما
يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم يقولون آمنة به كل من
عند ربنا . . .» [آل عمران/۷].

و رسوخ در علم به غیر از فعلیت آن مصداقی نخواهد داشت.
و چنانچه علم به تأویل از مختصات علم الهی بوده باشد و به هیچ
فردی چه پیغمبر و چه امام داده نشده است، پس به چه وجهی آنها
راسخین در علم می باشند. حضرت امیر فرمودند: «این الذین
زعموا انهم الراسخون فی العلم دوننا» [نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴] (کجايند
آنانيکه مدعی رسوخ در علم می باشند).

و در وصف راسخین فرمودند: «واعلم ان الراسخين في
العلم هم الذين اغناهم الله عن اقتحام السدد المضروبه دون
الغيب» [نهج البلاغه، خطبه ۹۱] (راسخین در علم کسانی هستند که
نیازی به ورود به بن بستها ندارند).

و از حضرتش سؤال شد که آیا علم به غیب دارید؟ پاسخ
داد: «لیس بعلم غیب وانما هو تعلم من ذی علم» [نهج البلاغه،
خطبه ۱۲۸]. و ابو جعفر فرمودند: «نحن الراسخون فی العلم» [حویزی،
نورالثقلین، ج ۱، ۳۱۶] (ماییم راسخین در علم) و رسوخ در علم به
جز علم فعلی در احکام و موضوعات مصداقی نخواهد داشت.
و هیچ دلیلی بر تخصیص فعلیت علم به احکام وجود نخواهد
داشت.

فراگیری علم امام

در روایت آمده است: «اذا شاء ان يعلم علم» [مجلسی، بحار الانوار،
ج ۲۶، ۵۶] و چنانچه به چیزی اراده کند به آن عالم خواهد بود و به

شبهه دوگانگی علم پیغمبر و امام

قول به تفصیل بین علم امام به احکام و موضوعات این اقتضا
را دارد که یا باید همین تفصیل را نسبت به پیغمبر قائل شویم، و یا
اینکه این دوگانگی در علم امام را نیز نپذیریم. زیرا علم پیغمبر
است که به ارث به آنها رسیده است. پس حق آن است که ملاک
علم پیغمبر و امام در احکام و موضوعات ملاک واحدی را دارد
و گرنه با پیغمبر اختلاف خواهند داشت. و در تحصیل بخشی از آن
نیاز به جستجو خواهند داشت. و در شأن معصومین نیست که نیاز
به آن داشته باشند، زیرا خود نص الهی و حجت بر دیگران می باشند
و نسیان و غفلت بشری بر آنها عارض نمی شود. و گرنه در این
فرض با دیگران یکسان خواهند بود.

نفی تحیر از امام

فرض بر این است که سائل برای رفع تحیر خود به امام رجوع
می نماید و چنانچه امام نیز در آن لحظه خود در جستجوی پاسخ
آن باشد سائل و امام در تحیر یکسان خواهند بود و امامت وی در
آن لحظه اندک، قابل تأمل است.

منابع علم امام

حضرت صادق (ع) فرمودند «نحن خزان الله في السماء و
خزانه في الارض» [مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ۱۰۵] چنانکه پیغمبر
دارای ذخایر و مکنونات الهی بوده است و به اقتضای آن، علم وی
فعلیت داشته و ضروری می باشد. فعلیت علم امام نیز به اعتبار
حمل آن ضرورت داشته است.

کتاب
تفسیر نور الثقلین
العلامة المحمدية الميرزا محمد باقر
عبدعلي بن محمد الغروي المحمدي قدس سره
الجزء الاول
صححه وعلق عليه و اشرفه على طبعه
السيد هاشم الرسولي المحمدي
طبع بفقته
خير الحاج حاج ابو القاسم المشتهر بسالك
و الحاج حسن محزونيان
مطبعة الحكمة بقم

اقتضای آن فعلیت خواهد داشت.

حضرت امیر(ع) به مخاطبین فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی فانی بطرق السماء اعلم منکم بطرق الارض» [نهی البلاغه، خطبه ۱۸۹] (من بر راههای آسمان از راههای زمین بیشتر از شما آگاهم).

فعلیت علم امام به موضوعات

ائمه هدا علم خود را چنین ترسیم می نمایند:

عن ابی عبدالله: سألہ حسان: (هل تعرفون محبیکم من مبغضیکم؟ قال: و یحک یا ابا سلمان، ان الله عزوجل قال: ان فی ذلك لآیات للمتوسمین. نعرف عدونا من موالینا) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ۱۲۴] (ما دشمنان را از دوستان خود تشخیص می دهیم).

و از حضرت صادق(ع) نقل شده است: «انه سئل عن معرفته بلغات موالیه»، قال: انا حجة الله على خلقه و لن یتخذ الله حجة على قوم و هو لا یعرف لغتهم او ما بلغیک قول امیرالمؤمنین اوتینا فصل الخطاب و هل فصل الخطاب الا معرفة اللغات) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ۱۹۰] (من حجت خدا هستم و خداوند حجتی را بر قومی نمی گزیند مگر اینکه او را به زبان آنان آگاه کند. آیا به تو نرسیده است که امیرمؤمنان فرمودند که به ما فصل الخطاب داده اند و آیا به جز شناختن زبان مردم چیز دیگری هست).

۳. قال الحجة القائم(عج): «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا بها الی رواة احادیثنا فانهم حجتي علیکم و انا حجة الله علیهم» [حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱ از صفات قاضی] (در کلیه پیش آمدهای زندگانی فردی و اجتماعی مراجعه شود به ناقلین احادیث ما؛ آنها بر شما از طرف ما حجتند همچنان که ما حجت خدا بر شما می باشیم).

و پرواضح است که پیام این حدیث دلالت دارد بر آنکه موضوعات جاری کمتر از احتیاج مردم به احکام نمی باشد. و چنانچه امام موضوعات گوناگون را بوسیله علم فعلی خود به آنها گوشزد نمی نمود، مشکلات مردم هرگز حل و فصل نمی شد.

و نمونه دیگر آن علم امام به موضوعات علمی در مسائلی بوده که به جابر بن حیان املاء نموده است و تقریرات امام را در چندین رساله به رشته تحریر در آورده است، ولی امام به او فرمودند: «اتق الله فقد کتبتہ للواصلین» (از خدا ترس برای دانشمندان نوشته ام. بهتر آن است که مشروحاً جهت استفاده غیر آنها به رشته تحریر در آورید).

ملازمت بین علم به احکام و موضوعات

بخشی از علم به موضوعات بر احکام سبقت دارند، و از همدیگر قابل تفکیک نمی باشند. همچون موضوع مرغان هوایی:

وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ

إلى تجويد مسائل النيرانية

تأليف

الحديث النبوي للإمام الحقن العلامة

الشيخ محمد بن الحسين بن الحر العائلي

المؤرخ سنة ۱۱۰۶ هـ

(الجزء الأول من المجلد الأول)

على تصحيحه وتحقيقه وتذييله الفاضل الحقن

الشيخ عبد الرحمن الرزائي البصري

تتألفه الفقرة وبارك في: رسالة الفاضل الفاضل العلامة علي الفاضل العائلي

طبع في سنة ۱۳۸۴ هـ

و

بيروت - لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

(انظروا اذا كان رفيفه اكثر من صفيفه)، از جهت حلیت و یا حرمت اکل آن (ان كان له ظلف)، و یا دارندگان «نفس سائله» (خون جهنده)، و یا غیر جهنده، از جهت طهارت، و یا نجاست خون آنها و نظیر اسماک دارنده فلس و یا غیر مفلس از جهت حلیت و یا حرمت آن که شارع مقدس موضوعات آنها را، قبل از احکام متعلقه تشخیص داده و علم به آن بالفعل می باشد. سپس علم به آنها را بیان نموده است.

و همچنین در موضوعات سماء و عالم و جفر و طب و توصیه به حجامت جهت رفع و دفع امراض و دردها به وسیله داروها و یا وردها با تشخیص موضوعات آن نسبت به سلامت و بهبودی و حتی در خصوص بازیابی فهم و ذکاوت و قوه حافظه تعلیمات زیادی را در روایات و احادیث خود ارائه داده اند. که همه این امور دلالت بر فعلیت علم امام به موضوعات گوناگون دارد. و این موضوعات قبل از پرسش و پاسخ به سمع مردم رسیده است و فعلیت داشته است.

منابع:

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه
۲. حویزی، نورالتقلین
۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار
۴. نهج البلاغه